

مehوش افشارپناه بازیگر باسابقه سینما، تئاتر و تلویزیون درباره تعداد بالای تجربه‌های تلویزیونی در کارنامه‌اش در قیاس با کارهای سینمایی گفت؛ هر دوی این حوزه‌ها برای من حکم تجربه را دارد و هر کاری که به من پیشنهاد می‌شود، فارغ از این‌که سینمایی باشد یا تلویزیونی به‌عنوان یک تجربه به آن نگاه می‌کنم. تئاتر هم جایگاه خودش را داشته و کارهای بسیاری در آن کرده‌ام. این‌گونه نبوده که تمرکز خاصی روی

کلیشه نقش زن جنوبی راردکردم

مستند جاده ابریشم و جهان های دیگر، کاری از خاویر لفبوتر به‌راستی طراوت اردیبهشت را دلیلیتر کرده این بار جهانگرد خلاق و پرشور، آلفرد مونستیکیو با بینش و اندیشه‌ای منصف به گفته خودش در بی ردپای مارکوپولو به کشف تمدن ها، فرهنگ‌ها و مردمانی آمده که تاثیر بسیار بر فرهنگ و تمدن غرب داشته‌اند. این گزارشگر جوان برخلاف هرچه مستند جهانگردی که درباره ایران معاصر دیده‌ایم از پشت عینک بی‌خبری، بدبینی و سیاه‌نمایی به دیدار افق‌های مادر تمدن‌ها یعنی میهن‌مان نیامده، بلکه به‌خاطر روحیه مشخص پژوهشگرانه به گفته خودش همواره شیفته خاورمیانه بوده است. این‌که یک خبرنگار و گزارشگر جنگ این چنین در سفر به ایران از آرامش زندگی و زیست دیگر مردمان و وصف دقیق و عالمانه از معماری یا توصیف ویژگی‌های ایرانیان سخن می‌گوید، من مخاطب را نسبت به مستندهای ایرانگردی وطنی و گزارشگران‌شان بسی سختگیر و مطالبه‌گر می‌سازد؛ ایران بسیار آرام، بسیار لطیف، بسیار پاک و پاکیزه است چه کشفی! چه اعجازی! حالا می‌فهمم چرا مردم با آن همه اشتیاق به کاروان‌های جاده ابریشم می‌پیوستند چون می‌خواستند به این‌گونه سرزمین‌ها سفر کنند.

فرهنگ جاری شهرهای ایران

مثلا یادکردهای روشن‌بینانه این گزارشگر خوش‌فکر را نمی‌شود درباره شهرهای ایران، مردم و فرهنگ جاری در هرجای این بوم و بر سنایش نکرد، چون گزارشگری‌اش برآمده از آگاهی و دانش است که از فیلتر بدبینی و سیاه‌نمایی عبور داده نشده به‌ویژه که برخلاف ایرانگردها با ادبیاتی تازه با بسبک و سیاقی دلنشین و گزاره‌های خلاقه از سر بینشی روشن به مخاطب ارائه می‌شود. این شیوه ارائه گزارش جهانگردی را که باگردشگران وطنی‌مان بسنجیم و چند برنامه‌ای را که اکنون در حال پخش است بااین مستند (جاده ابریشم) سنجه کنیم، به دنبال کردن این دستاورد و تماشای جهان‌هایی که در مسیر جاده ابریشم زندگی می‌کنند، بیش از همیشه راغب‌می‌شویم.

کارهای تلویزیونی داشته باشم و حضور در این عرصه را بیشتر انتخاب کنم. افشارپناه ادامه داد؛ باور نمی‌کنید من در این مدت چقدر نقش زن جنوبی داشتم و رد کرده‌ام صرفا به این دلیل که نمی‌خواستم در این نقش تبدیل به کلیشه شوم. این بازیگر باسابقه درباره واکنش‌های مردمی در کوچه و خیابان و این‌که بیشتر با کدام نقش آفرینی‌هایش از سوی مردم شناخته می‌شود، گفت؛ آدم‌های مختلف معمولا

در تماشای مستند جاده ابریشم و جهان‌های دیگر

کشف دوباره وطن



میراث هنری جاودانه

ذقت گزارشگر را در انعکاس درست داده‌های فرهنگی هر منطقه ایران که بنگریم، چون از نگاه‌تیزبین و دانشور یک ایرانی روایت می‌شود، هر مخاطبی را به بازشناخت تازهای سوق می‌دهد از داشته‌هایی که هر روز با آنها زندگی می‌کند. او تاثیر جهانی شدن را حتی در دل کویر با اشاره به *چینی/سرامیک* میبذ یزد چنین نشان‌مان می‌دهد؛ این میراث هنری جاودانه! درباره زورخانه؛ جاودانه کردن سنت نیاکان با این شیوه ساده و روشن صرفا دستاوردی ایرانی است؛ وقتی دور می‌چرخند از وحدت به کثرت می‌رسند، بدون این‌که در چرخیدن از صوفیان الهام‌گرفته شده‌باشند، این‌نماد راستی و درستی است که در نهایت به عظمت خالق پی می‌برند. **درباره اصفهان**، شهری افسانه‌ای در زمان رونق جاده ابریشم که بعدها نیز همچنان افسانه‌ای باقی ماند، شگفتی معماری ایران، یکی از گنجینه‌های ملی ایران و جهان اسلام، یکی از گوهرهای بی‌نظیر فرهنگ ایران. فکر نمی‌کنم پدیده‌ای به این زیبایی (مسجد امام اصفهان)

دیدم باشم، میبوت شدم! احترام به جهان‌های جاده ابریشم چونان رگ پنهان این مستند است که مخاطب را به مهمانی واقعیت‌ها می‌برد و خود او را داور و گزینشگر می‌کند نه این‌که به او هجی کند؛ باید این‌گونه تفسیر کنی و ببینی! آلفرد در سفر یزد مثل همیشه با احترام یادآوری می‌شود، سفر حماسی مذهبی سه‌مع‌بزرگ ایرانی که گزارش‌شان در انجیل آمده و شهرت جهانی دارند؛ زرتشتیان نامور، یعنی بالتازار و ملکی‌پور و گاسپار، حاکمان وقت یکی از آبادی‌های اطراف تهران بودند که با طلوع ستاره عیسی (که هر ۲۰۰۰ سال یکبار در غروبگاه دیده می‌شود) به فلسطین رفتند، عیسی نوزاد را تأیید کردند و بزرگ شمردند. که همین گزارش راگفته‌هایی را بازمی‌گوید از دانایی چند هزارساله ایرانیان درباره اجرام آسمانی، فرهنگ یکتاپرستی و پاسداشت راستی و واقعیت و نادیده‌انگاری تعصب‌ها در فرهنگ ایرانی.

مخاطب وطنی را میهن‌دوست‌تر کنیم

تماشای هرروزه مستند جاده ابریشم و جهان‌های دیگر

واکنش‌های مختلفی هم دارند و نقش خاصی را هم به یاد می‌آورند اما حس شخصی‌ام این است که طیفی از مخاطبان هنوز اولین نقش آفرینی سینمایی‌ام در فیلم «خانه در انتظار» به کارگردانی منوچهر عسگری‌نسب را به یاد دارند. این روزها یکی از سریال‌هایم با نام «تصمیم نهایی» در حال بازپخش از تلویزیون است و برخی شهرستان‌ها با من تماس می‌گیرند و می‌گویند چقدر این نقش خاطره‌انگیز است.



است که باید در برنامه‌ها و تولیدات بعدی در نظر گرفته شود تا مخاطب وطنی را وطنی‌تر و میهن‌دوست‌تر سازد.

عظمت‌های تاریخی ایران

در چندین و چند مستند وطنی که شور میهن‌دوستی و مهر خاک مادری، مخاطب را پای تماشای تلویزیون می‌نشانند، گفتنی‌هایی هست که اشاره‌وار به آنها نظری می‌افکنیم. حضور مجری ایرانگرد به گونه مستند یادشده، اندیشیده و طراحی‌شده نیست از پوشش تا کوشش او داد می‌زند که بچه این محل نیست! چه در دشت و باغ و کوه، چه در شهرها و روستاها؛ چونان یک مهمان و بارها حس می‌شود از بالا به محیط و مردم نگاه می‌شود. از همه مهم‌تر حتی در مستندهایی که متن شاعرانه دارند با شور اشراق و الهام‌های بداهه و تازه و بدیع و نوگرا مواجه نمی‌شویم. مجری با جهان اطرافش چه طبیعت چه روستا چه... یکی نمی‌شود و روح و احساسش را صیقل نیافته و تازه‌نشده به برنامه دیگر می‌برد. این‌را مخاطب حس می‌کند. زیرآملفقه‌هایی چند باعث می‌شود مجری ایرانگرد با محیط و جهان اطرافش همونا و همگن نشود (مانند پوشش و...) و همان‌ها نیز مخاطب را از درهم‌آمیختن روح و احساسش با گزارش تا حدودی پی می‌زند. این البته هرگز صددرصد نیست و درصداش پایین اما در نتیجه نهایی تاثیرگذار است. یا در مستندی؛ اجرا با پیرومردی است که لباس‌های جوان‌سرانه، گل‌منگلی و به دور از بایستگی سن و سالش پوشیده، همچنین شوخی‌ها و رفتارهایی دارد که به کمال دیرسالی نمی‌خورد و بارها مخاطب را مجاب می‌کند که چیزی از فرزانگی، باطن‌داری، بینش و ژرفای تحسین‌برانگیز سن و سال‌داری‌ها با وقار و محترم‌ایرانی از حضورش نمی‌تابد. در تمامیت اجرا معمولاً از اول تا آخر، مجری خشکی مخصوصی دارد و واقعا حس می‌شود که حضوری بی‌روح و بی‌شور و شکه دارد انگار، معمولا مجری درباره هیچ چیزی به شور نمی‌آید و شهود و اشتراقی که در سرتاسر این سرزمین اهورایی موج می‌زند، او را فرا نمی‌گیرد. هرگز لیخند نمی‌زند. چونان غریبه با همه چیز می‌رود و می‌آید، به انعکاس آمارها و گزارش‌های مسئولان هر شهرستان می‌چسبد و از زاویه تنگ کاتالوگ‌ها به آن محیط جار می‌زند... و این تازه یکی از پرشمار ناپایدایی‌

روی موج

رادیو تبیین، ایران مقتدر را معرفی می‌کند



به گفته وی، نشاط، سومین عامل تقویت اجتماعی است. چهارمین عامل احساس امنیت است. نیروهای استیکبار با توجه به شرایط پیرامونی تمام توان خود را علیه کشور بسیج کرده‌اند. ما در اواخر سال با پدیده انتخابات روبه‌رو هستیم. اگر ما آرایش درست رسانه‌ای نداشته باشیم، مانند انتخابات گذشته فضای انتخابات به سمت دیگری می‌رود. در آن زمان هر مسئولی سعی می‌کرد برای جلب‌نظر مردم لیستی از ناکارآمدی‌را نام‌برد تا بگوید من آدم فهیمی هستم. بخشی‌زاده، رضایتمندی را عامل دیگر تقویت سرمایه اجتماعی دانست و بیان کرد: در مجموع شش مولفه در دست‌وکار تمام مدیران شبکه‌ها، گروه‌ها و تهیه‌کنندگان قرار گرفته است. از طرفی، جای رادیو تبیین در رادیو خالی بود. این رادیو ی فصلی به موضوعات مهم کشور می‌پردازد. ما باید علیه نیروهای استیکبار روش حمله را انتخاب کنیم.

رادیوی مناسبیتی تبیین با رسالت اصلی تبیین کارکردهای جمهوری اسلامی، شناساندن وجوه ایران مقتدر، پیگیری خاص تأکیدات رهبر معظم انقلاب، تقویت موضع کنشگرانه و تهاجمی رسانه‌ای کشور و مقابله با نبرد نامحدود دشمن روی موج ۹۵/۵ مگاهرتز ننست. این رادیو از امروز به مدت ۵۰ روز تا ۲۷ تیر روی موج FM دیف ۹۵/۵ مگاهرتز و همچنین برنامه‌های رادی اقتصاد قابل دریافت است. مراسم افتتاح رادیو تبیین با حضور علی بخشی‌زاده معاون صدای رسانه ملی، محمدجواد لاریجانی مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی، حسن رحیم‌پور ازغدی عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، انسیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، محسن برمهانی معاون سیمای رسانه ملی و مقامات کشوری و لشکری برگزار شد.

در ابتدای مراسم، بخشی‌زاده درباره راه‌اندازی این شبکه گفت؛ امسال شعار رادیو را جهاد تبیین با محوریت تقویت سرمایه اجتماعی قرار دادیم. تمام ۱۵ شبکه رادیویی برنامه‌های مدون را برای برنامه‌سازی دارند. از سرمایه اجتماعی شش مولفه را انتخاب کردیم و اعتقاد داریم اگر عملیات رسانه‌ای مادر این شش مولفه به درستی تعریف شود، این عملیات به تقویت سرمایه‌های اجتماعی منجر خواهد شد. معاون صدای رسانه ملی اولین مولفه تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی را امید دانست و ادامه داد؛ چه در حیطه فرهنگی و چه در حیطه اجتماعی امید در تقویت سرمایه اجتماعی تاثیرگذار است. دومین مولفه اعتماد است. مردم به دست‌اندرکاران‌شان اعتماد کنند. دشمن با تمام ابزار خود نسبت به کشور ما سیاه‌نمایی می‌کند. امواج شبهه رسانه‌های معاند در تمام مسائل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اعتقادی به کار می‌رود.

متعدد یک حرف نادرست را به خورد میلیاردها انسان داده و ذهن انسان‌ها را شست‌وشوی مغزی می‌دهند. رحیم‌پور ازغدی با بیان این‌که با این روایی که پیش می‌رویم حداکثر ۲۰ سال آینده چیزی به اسم رسانه ملی واحد نخواهیم داشت، تصریح کرد؛ بخشی از مخاطبان بالقوه می‌توانستند مخاطبان ما باشند، ولی ذهن و باورشان را فضای مجازی تقسیم کرده است. افراد از یک واقععه سه خبر می‌شنوند. اگر هم مخاطب به ما اعتماد داشته باشد، این اعتماد تقسیم بر سه شده یا تبدیل به شک می‌شود.

در ادامه محمدجواد لاریجانی، مدیر پژوهشگاه دانش‌های بنیادی درباره جهاد تبیین گفت؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب فرمودند جهاد تبیین یعنی اسلام، وصیت اسلامی و حقوق‌مان مورد تهاجم دشمن قرار گرفته و باید از آن دفاع کنیم. برای این‌که تحرک‌مان جهاد محسوب شود، باید نیت خالصی برای مجاهده داشته باشیم، خدا را شکر میدان جهاد بسته نیست و کارهایی در حال انجام است. انسیه خزعلی، معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به عنوان سخنران پایانی مراسم گفت؛ مساله جهاد تبیین، برنامه‌ریزی و ساماندهی آن از عصر پیامبر و در زمان مشرکین مطرح بوده است. خزعلی ادامه داد؛ یکی از توصیه‌های مهمی که به ما شده، بحث استفاده از جهاد تبیین است. رسانه‌ای که با هنر و فهم آمیخته شده، قابلیت تاثیرگذاری دارد و هیجانات را به نفع دین تحریک کند، جهاد از نوع تبیین انجام داده است. علاوه‌بر توصیه مکتب اسلام به جهاد تبیین، رسانه‌های فردوسی، سعدی و حافظ این مساله را توصیه می‌کردند. معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با بیان این‌که در فرهنگ عامیانه و قصه‌های مادر بزرگ‌ها نکانی مطرح بود تا خطراتی پیش‌روی بچه‌ها تبیین شود، گفت؛ از کودکی قصه‌های شنگول و منگول لایه‌های پنهان دشمنی را برای بچه‌ها تبیین می‌کرد.

خاطرات کاغذی

کنت مونت کریستو

مریم فلاح: «ادموند دانتس»، **دریانوردی که سال ۱۸۱۵، در روز ازدواجش، به اتهام دروغین طرفداری از ناپلئون به زندان شاتودیف فرانسه فرستاده می‌شود. بر اثر سعایت رقیب عشقی‌اش، «فرنان» و رقیب تجاری‌اش، «دانگلار»**، **به مدت ۱۴ سال محبوس می‌ماند. این واقعه، در عین حال به نفع مقاصد سیاسی یک قاضی جوان و جاه‌طلب به نام «ویلفور»** است که **رر زندانشدن او دست‌دارد.**

در چهاردهمین سال حبس دانتس در سیاهچال زندان، او متوجه می‌شود به‌بندی‌اش «آبه‌فاریا» که یک کشیش و دانشمند ایتالیایی است مشغول حفر کانالی برای فرار از زندان است. به دنبال دوستی و همکاری این دو، «آبه‌فاریا»، **نقشه کنج سرشار جزیره مونت‌کریستو را در اختیار دانتس می‌گذارد ولی قبل از این که آنها بتوانند نقشه فرار خود را نهایی کنند، آبه می‌میرد. دانتس با طرح بسیار ماهرانه‌ای از زندان می‌گریزد، کنج را به دست می‌آورد، به پاریس می‌رود و از سه دشمن خود انتقام وحشتناکی می‌گیرد و با ثروت‌های افسانه‌وار خود طبقه اشراف پاریس را به هم می‌ریزد.**



کی‌وان‌زد راسکن کنید

رسانه

MEDIA

یکشنبه ۷ خرداد ۱۴۰۲

شماره ۶۴۹۸

یادداشت

معاون صدا در بازدید از رادیو زیارت :

عملکرد رادیو زیارت موفقیت آمیز است

معاون رسانه ملی به همراه جمعی از مدیران شبکه‌های رادیویی سراسری ضمن بازدید از رادیو زیارت، عملکرد این شبکه رادیویی را موفق ارزیابی کرد.

علی بخشی‌زاده، معاون صدای رسانه ملی با تأکید بر این‌که ارادتمندان امام‌رضاع) در سراسر جهان می‌توانند از بستر اینترنت شنونده شبکه رادیویی زیارت باشند، گفت؛ ترویج و اشاعه فرهنگ رضوی و زندگی اهل بیت(ع) از اهداف ایجاد رادیو زیارت است، اگرچه رادیو زیارت در مشهد واقع شده است اما ابعاد جهانی دارد و مخاطبان در سراسر جهان می‌توانند شنوندند این شبکه رادیویی باشند. بخشی‌زاده خاطرنشان کرد؛ تهیه برنامه‌های رادیویی حول محور زیارت امام‌هشتم(ع) و سیره رضوی حقی برگردن رسانه است و در زمینه معرفت‌افزایی رسانه باید تعریف و نیازهایی که تمام رائران ایران از آغاز سفر تا انتها با آن روبه‌رو می‌شوند را پاسخگو باشد.

معاون رسانه ملی سومین مولفه در موفقیت رادیو زیارت را پشتیبانی علم و پژوهش در برنامه‌ها دانست و یادآور شد؛ علم و پژوهش تنها منحصربه‌پژوهش‌های دانشگاهی نمی‌شود، بلکه اینها را به زبان برنامه تبدیل کرد، هنر است؛ این مفصل بندی که برنامه‌سازان می‌کنند و مطالبی که ابتدائی آن پژوهش است را به زبان برنامه بیان می‌کنند که یک کار هنری است.



بخشی‌زاده تصریح کرد؛ همه اینها اتفاق نمی‌افتد جز با آموزش مستمر. رادیو زیارت یک رادیوی یادگیرنده است، در عین حالی که برای آحاد مردم یاددهنده است، خودش یک سازمان یادگیرنده به واسطه آموزش‌های مستمر است. محور پنجم این موفقیت را می‌توان تجهیزات و تکنولوژی دانست، این‌که شما نتوانسته‌اید به سراسر جهان پیام را برسانید به امید خدا با یک اهتمام، همفکری و تعامل بیشتر می‌توانیم رهاورد بیشتری داشته باشیم. بخشی‌زاده در ادامه صحبت‌هایش به هم‌افزایی سراسری بین شبکه‌های رادیویی اشاره کرد و افزود؛ می‌توان برای رساندن مطالب به‌ویژه در ایام خاص که رادیو محرم یا رادیو اربعین و ... را راه‌اندازی می‌کنیم، در رساندن مطالب استفاده بیشتری از آنتن‌های سراسری شود. اینها می‌تواند با رادیو زیارت مکمل و متمم باشد. ما در رادیو ۱۰ کارگروه تخصصی تشکیل داده‌ایم و تمام شبکه‌های ما در این کارگروه‌ها هستند. شبکه معارف ما که مسئولیت معارف را بر عهده دارد، به‌عنوان یک بازاری معارفی معاونت است. همه شبکه‌ها با سیاست‌گذاری‌ای که به‌صورت متمرکز انجام می‌شود، منطبق هستند. در حوزه مطالب سیاسی با مسئولیت رضا کوچک‌زاده، مدیر رادیو گفت‌وگو موارد مربوط به سیاست را معاونت پیش‌می‌برد. در حوزه اقتصاد با محوریت شبکه رادیویی اقتصاد مسائل اقتصادی در این حوزه پیگیری می‌شود و ...

به گفته معاون صدای رسانه ملی، این کارگروه علاوه‌بر این‌که خوراک برای شبکه‌ها تهیه می‌کنند، هم‌افزا هستند و با هم در یک هم‌افزایی خاصی مسائل را پیگیری می‌کنند اما اینها چه وجهی می‌تواند با رادیو زیارت داشته باشد. در حال حاضر ابعاد معارفی رادیو زیارت را بیشتر رادیو معارف‌ها می‌توانند مدنظر قرار دهند یا ابعاد اقتصادی رادیو زیارت در رادیو اقتصاد با ابعاد فرهنگی زیارت با شبکه رادیویی فرهنگ و ... بازمه ما می‌توانیم یک درهم‌تنیدگی منطقی را ایجاد کنیم که یقینا به هم‌افزایی ما کمک خواهد کرد. منطقی است که خودمان را در دریای کارگم نکرده‌ایم و موضوع محور به‌صورت مستمر به تقویت هم اقدام می‌کنیم.